

تاریخ فلسفه سیاسی غرب

عصر جدید و سده نوزدهم

تالیف

عبدالرحمن عالم

www.ketab.ir

مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی

پاییز - ۱۳۹۱

فهرست نویسی پیش از انتشار

- سرشناسه: عالم، عبدالرحمن. ۱۳۲۹ -
عنوان و نام پدیدآور: تاریخ فلسفه سیاسی غرب، عصر جدید و سده نوزدهم / عبدالرحمن عالم؛
[به سفارش] دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
مشخصات نشر: تهران: وزارت امور خارجه، اداره نشر، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: نوزده، ۵۳۱ ص.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۵۷۲-۱۱-۰
بها: ۱۳۵۰۰۰ ریال.
وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
یادداشت: چاپ قبلی: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۳.
یادداشت: کتابنامه: ص. [۵۲۱] - ۵۲۳.
موضوع: علوم سیاسی - اروپا - تاریخ.
موضوع: علوم سیاسی - اروپا - فلسفه.
موضوع: فلسفه جدید.
شناسه افزوده: ایران. وزارت امور خارجه، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی.
شناسه افزوده: ایران. وزارت امور خارجه، اداره نشر.
شناسه افزوده: ایران. وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۲۳ ع ۴ الف / JA ۸۴
رده بندی دیویی: ۳۲۰/۹۴
شماره کتابشناسی: ۲۹۹۹۸۴۴

تاریخ فلسفه سیاسی غرب

عصر جدید و سده نوزدهم

تألیف: عبدالرحمن عالم

چاپ سیزدهم: تابستان ۱۳۸۹، چاپ چهاردهم: پاییز ۱۳۹۰، چاپ پانزدهم: پاییز ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

طرح روی جلد: شهرزاد طهرانی

صفحه‌آرایی، طراحی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

اداره نشر وزارت امور خارجه

دفتر مرکزی: خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی

وزارت امور خارجه، تلفن: ۲۲۲۹۷۰۲۹، نمابر: ۲۲۸۳۲۵۶۵

نمایندگی و فروشگاه مرکزی: میدان انقلاب، اول کارگر شمالی، مرکز خرید البرز، شماره ۱۱، تلفن: ۶۶۴۲۹۰۲۸-۲۹

فروشگاه شماره ۲: خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی، جنب مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی

وزارت امور خارجه، تلفن: ۲۲۸۰۲۶۶۲

فهرست مطالب

پانزده	مقدمه
۱	فصل اول. نوزایی
۱	۱. جهانی نو
۴	۲. اقتصاد سیاسی
۴	الف. دگرگونیهای اقتصادی
۷	ب. اخلاق اقتصادی
۹	۳. نیروهای سیاسی
۱۲	۴. پیشرفتهای علمی
۱۳	۵. تحول علم و تفکر
۱۷	فصل دوم. نیکولوماکیاولی: چه نام بزرگی، چه ستایشی
۱۷	۱. وضعیت سیاسی ایتالیا
۲۱	۲. محیط سیاسی زمانهٔ ماکیاولی
۲۳	۳. زندگی ماکیاولی
۲۸	۴. نوشته‌های ماکیاولی
۳۱	۵. روش ماکیاولی
۳۴	۶. حکومت شهریار
۴۷	۷. سیاست در گفتارها
۵۳	۸. جایگاه ماکیاولی در تاریخ اندیشه سیاسی

فصل سوم. توماس مور، توماسوکامپانلا. مردان جامعه آرمانی	۵۷
۱. توماس مور	۵۷
الف. نگاهی به جامعه انگلستان	۵۷
ب. زندگی توماس مور	۵۸
پ. جامعه آرمانی توماس مور	۶۰
ت. جایگاه تاریخی اندیشه سیاسی مور	۶۴
۲. توماسوکامپانلا	۶۶
فصل چهارم. اندیشه سیاسی متفکران جنبش دین پیرایی	۷۱
۱. دین پیرایی پروتستانی	۷۲
الف. کارکرد اقتصادی پروتستانیسیم	۷۴
ب. ماهیت سیاسی پروتستانیسیم	۷۵
۲. زندگی و اندیشه سیاسی مارتین لوتر	۷۶
الف. اندیشه دینی لوتر	۷۹
ب. اندیشه سیاسی لوتر	۸۲
(۱). نظریه دوپادشاهی	۸۴
(۲). نظریه شورش و هرج و مرج	۸۵
(۳). روحانیان کلیسا و شهریار	۸۶
(۴). جنبش روستایی و لوتر	۸۷
۳. اندیشه‌های دینی - سیاسی ژان کالوین	۸۹
الف. زندگی کالوین	۸۹
ب. اندیشه‌های کلامی - سیاسی	۹۲
(۱). نظریه سیاسی کالوین	۹۴
(۲). کالوینیسیم و سرمایه‌داری	۹۹
۴. اندیشه سیاسی میلشتون	۱۰۲
۵. اندیشه سیاسی زوینگلی	۱۰۴

۱۰۵	۶. اندیشه سیاسی جان ناکس.....
۱۰۶	۷. بازیابی فصل.....
۱۱۱	فصل پنجم. ضدشاهان، حقوق الهی شاهان
۱۱۱	۱. کشاکشهای سیاسی.....
۱۱۴	۲. ضدشاهان (ونازکوماکها).....
۱۱۸	الف. ریندسیه کنتراتیرونوس.....
۱۲۲	ب. حق عمومی: جرح برکانان.....
۱۲۴	پ. جامعه کاتولیک.....
۱۲۵	ت. ژزویتهای ضد شاه.....
۱۲۷	(۱). رابرت بلارمین.....
۱۲۸	(۲). خایون دوماریانا.....
۱۳۰	(۳). فرانسیسکو سوارز.....
۱۳۲	۳. نظریه حقوق الهی شاهان.....
۱۳۳	الف. نظریه استبداد.....
۱۳۵	ب. نظریه حقوق الهی.....
۱۳۹	پ. جیمز اول.....
۱۴۲	ت. سیاستمداران.....
۱۴۵	فصل ششم. ژان بُدن: پدر حاکمیت.....
۱۴۵	۱. زندگی و نوشتههای بدن.....
۱۴۹	۲. روش بدن.....
۱۴۹	۳. جامعه سیاسی بدن.....
۱۵۳	الف. حاکمیت.....
۱۵۶	ب. شکلهای حکومت، حکومت مطلوب.....
۱۶۰	پ. تغییر در حکومتها و در جامعه.....

۱۶۳	ت. محدودیت‌های حکمران
۱۶۴	ث. جایگاه بدن در تاریخ اندیشه سیاسی
۱۶۶	۴. ژاک بنینی بوسوئه
۱۷۱	فصل هفتم. نظریه قانون طبیعی
۱۷۱	۱. پیشرفت علم طبیعی و تأثیر فکری آن
۱۷۲	۲. طبیعت‌گرایی انسانی برونو
۱۷۴	۳. یوهانس اتومپوس
۱۷۶	۴. هوگو گروسیوس
۱۷۷	الف. دولت گروسیرس
۱۷۸	ب. حاکمیت از نظر گروسیرس
۱۷۹	پ. قانون ملتها (حقوق بین‌الملل)
۱۸۳	فصل هشتم. اندیشه سیاسی انگلستان در سده شانزدهم و هفدهم
۱۸۳	۱. ریچارد هوکر، کلیسا و دولت
۱۸۷	۲. ادوارد کوک
۱۸۹	۳. فرانسیس بیکن
۱۹۵	۴. گروه‌های تندرو: لولرها، دیگرها
۱۹۶	الف. لولرها
۲۰۱	ب. دیگرها
۲۰۵	۵. جمهوریخواهان انگلستان
۲۰۶	الف. جیمز هرینگتون
۲۱۲	ب. جان میلتن
۲۱۵	پ. الجرنون سیدنی
۲۱۶	۶. تندروهای مذهبی
۲۱۷	الف. پرسبی‌ترینها

۲۱۸	ب. ایندپندندها
۲۱۸	۷. رابرت فیلمر
۲۲۱	۸. جرج هالیفاکس
۲۲۵	فصل نهم. توماس هابز
۲۲۵	۱. کشاکش جریانهای سیاسی
۲۲۸	۲. زندگی و نوشته‌های هابز
۲۳۴	۳. روش هابز
۲۳۶	۴. طبع انسان
۲۴۰	۵. وضع طبیعی
۲۴۱	۶. مفهوم قانون طبیعی
۲۴۴	۷. تأسیس دولت
۲۴۶	۸. حکمران هابز
۲۴۸	الف. قانون و حکمران
۲۵۰	ب. شکل‌های حکمرانی
۲۵۲	پ. توتالیتریانیسم و آزادی
۲۵۷	۹. حاکمیت
۲۵۸	۱۰. حکمران، کلیسا، مردم
۲۶۱	۱۱. ارزیابی اندیشه هابز
۲۶۵	فصل دهم. جان لاک: بنیانگذار لیبرالیسم
۲۶۵	۱. شرح زندگی
۲۷۲	۲. دو رساله درباره حکومت
۲۷۲	الف. رساله نخست
۲۷۴	ب. رساله دوم. طبع انسان و وضع طبیعی
۲۷۵	(۱). طبع انسان

۲۷۶ ۲. وضع طبیعی
۲۷۸ ۳. حکومت از نظر لاک
۲۸۱ الف. شکلهای حکومت
۲۸۲ ب. قوای حکومت
۲۸۳ ۴. حق انقلاب و حق حاکمیت
۲۸۴ ۵. حق مالکیت
۲۸۸ ۶. مدارای مذهبی
۲۹۱ ۷. سنجش و ارزیابی نظریه‌های لاک
۲۹۵ فصل یازدهم. مونتسکیو جستجوی روح قوانین
۲۹۵ ۱. وضع و حال سیاسی زمان
۳۰۰ ۲. زندگی و نوشته‌های مونتسکیو
۳۰۳ ۳. روش مونتسکیو
۳۰۴ ۴. نامه‌های ایرانی مونتسکیو
۳۰۷ ۵. روح قوانین
۳۱۱ الف. ماهیت و اصل حکومت، شکل حکومتها
۳۱۴ ب. رابطه قوانین با ماهیت و اصول حکومت
۳۱۸ پ. آزادی و تفکیک قوا
۳۲۵ فصل دوازدهم. ژان ژاک روسو و آزادی انسان
۳۲۵ ۱. محیط سیاسی و جنبش روشنگری
۳۲۸ الف. ولتر
۳۳۰ ب. یاران دانشنامه (دانشنامه‌نویسان)
۳۳۶ ۲. ژان ژاک روسو
۳۳۶ الف. زندگی و نوشته‌های روسو
۳۴۱ ب. نظریه سیاسی روسو

۳۴۳ (۱). دوگفتار
۳۴۸ (۲). قرار اجتماعی، اقتصاد سیاسی
۳۵۳ (۳). اراده عمومی
۳۵۷ (۴). حاکمیت اراده عمومی
۳۵۹ (۵). شبکه‌های حکومت
۳۶۳ (۶). تمکیک نوا
۳۶۵ (۷). برابری، آزادی، و سعادت انسانها
۳۶۷ (۸). دین مدنی
۳۶۹ (۹). مالکیت
۳۷۰ پ. جایگاه فکری روسو
۳۷۶ ۳. ژوزف سی‌یز
۳۷۹ فصل سیزدهم. هیوم، برک، اسمیت، و
۳۷۹ ۱. زمینه‌های فکری و رشد علمی زمانه
۳۸۰ ۲. زندگی و نوشته‌های هیوم
۳۸۳ الف. بنیاد تفکر هیوم
۳۸۴ ب. نظریه سیاسی هیوم
۳۸۵ (۱). خاستگاه جامعه و پایه دولت
۳۸۷ (۲). انسان، حکومت، آزادی و دموکراسی
۳۸۸ (۳). دین، مالکیت
۳۹۰ ۳. ادموند بُرک
۳۹۰ الف. دگرگونی‌های سیاسی
۳۹۲ ب. زندگی و نوشته‌های برک
۳۹۶ پ. اصول فلسفه سیاسی
۳۹۷ ت. نظریه سیاسی برک
۴۰۵ ث. مقایسه هیوم و برک

- ۴۰۶ ۴. آدام اسمیت
- ۴۰۶ الف. زندگی و نوشته‌ها
- ۴۰۸ ب. نظریه سیاسی
- ۴۱۳ ۵. توماس پین
- ۴۱۵ ۶. ویلیام گادوین

فصل چهاردهم. سودمندی‌گرایان

- ۴۱۹ ۱. نظریه سودمندی‌گرایی: زمینه جویی
- ۴۲۳ ۲. جرمی بنتام
- ۴۲۳ الف. زندگی و نوشته‌ها
- ۴۲۵ ب. مبانی اندیشه‌های بنتام
- ۴۳۱ ب. نظریه سیاسی بنتام
- ۴۳۶ ۳. جان استوارت میل
- ۴۳۶ الف. شرح زندگی
- ۴۳۷ ب. نوشته‌های میل
- ۴۳۸ پ. دموکراسی
- ۴۴۲ ت. آزادی
- ۴۴۷ ث. حقوق زنان
- ۴۴۷ ج. میل و بنتام‌گرایان

فصل پانزدهم. نظریه ایده‌آلیستی: کانت و هگل

- ۴۴۹ ۱. بعد از انقلاب فرانسه
- ۴۵۱ ۲. ایده‌آلیسم فلسفی
- ۴۵۱ الف. پایه‌های تفکر سیاسی ایده‌آلیستی
- ۴۵۴ ۳. ایمانوئل کانت
- ۴۵۴ الف. شرح زندگی

۴۵۶	ب. نوشته‌های کانت: بنیادهای اخلاقی فلسفه سیاسی
۴۵۷	پ. طبع انسان و تاریخ از نظر کانت
۴۶۰	ت. آزادی: وظیفه واجب قطعی
۴۶۱	ث. سیاست کانت: دفاع اساسی از فردگرایی
۴۶۴	ج. نظر اقتصادی و دینی کانت
۴۶۷	چ. انترناسیونالیسم: جستجوی صلح ابدی
۴۶۸	ح. ارزیابی کانت
۴۶۹	۴. فریدریش هگل
۴۶۹	الف. زندگی و نوشته‌ها
۴۷۱	ب. فلسفه تاریخ
۴۷۳	پ. دیالکتیک هگل
۴۷۵	ت. نقش ملت و دولت در تاریخ
۴۷۷	ث. آزادی: رابطه فرد و دولت
۴۸۲	ج. حکومت
۴۸۳	۱. پادشاهی
۴۸۴	۲. قوه اجرائی
۴۸۴	۳. قوه قانونگذاری
۴۸۵	چ. روابط بین‌الملل، حقوق بین‌الملل
۴۸۶	ح. نقد و ارزیابی
۴۸۹	فصل شانزدهم. آگوست کنت: جامعه سیاسی اثباتی
۴۸۹	۱. زندگی و نوشته‌های کنت
۴۹۰	۲. روش کنت
۴۹۱	۳. تنواره‌گرایی کنت
۴۹۲	۴. فلسفه اثباتی: مخالفت با فرضیه‌های کلامی و فراطبیعی
۴۹۵	۵. سیاست و جامعه

۴۹۵	الف. تکامل اجتماعی
۴۹۶	ب. پیدایی ساختهای سیاسی
۴۹۸	پ. قانون مراحل سه گانه و حکومت اثباتی
۵۰۲	ت. ارزیابی کنت
۵۰۵	فصل هفتم. گرین: واقع بین هوشیار، ذهن گرای بلند پرواز
۵۰۵	۱. دوره زندگی
۵۰۶	۲. نوشته های گرین و تغییر روند لیبرالیسم
۵۰۸	۳. رویارویی با سردمندی گرایی
۵۱۰	۴. تکلیف سیاسی: اراده، پایه دولت
۵۱۱	الف. شعور انسان
۵۱۲	ب. آزادی
۵۱۲	پ. حقوق
۵۱۳	ت. نیاز به اقتدار سیاسی یا دولت
۵۱۶	۵. فعالیت دولت
۵۱۷	۶. مجازات، مالکیت، انترناسیونالیسم
۵۱۹	۷. ارزیابی گرین
۵۲۱	منابع
۵۲۴	نمایه نامها

مقدمه

فلسفه سیاسی، یعنی تفکر منظم درباره ماهیت، هدفها، ساختار و قدرت دولت، از یکسو برای فهم و شناخت واقعی دولت، و از سوی دیگر برای حفظ یا تغییر آن است. فلسفه سیاسی فضایی فکری و ذهنی است با هدف پرداختن به مسائل و دشواریهای اجتماعی و سیاسی و حل و رفع آنها، و از زمانی آغاز شد که انسانها به حفظ آزادی خود در برابر اقتدار دولت توجه کردند. اما همه انسانها این توانایی فکری را نداشتند و فقط عده‌ای درباره موضوع‌های اصلی فلسفه سیاسی اندیشیدند، سخن گفتند یا نوشتند. این عده را فیلسوف یا متفکر سیاسی می‌شناسیم. فیلسوفان نتیجه اندیشه‌های خود را اعلام کردند یا در نوشته‌هایی ارائه نمودند و بسیاری از این گفته‌ها و نوشته‌ها در گذر تاریخ برجها ماندند. نسلهای آینده در نگاه به گذشته‌ها، با مجموعه اندیشه فیلسوفان نیز آشنا شدند، و آن را تاریخ اندیشه یا فلسفه سیاسی نامیدند.

امروز به این میراث پیشینیان در چهارچوب علم سیاست به عنوان فلسفه سیاسی توجه می‌شود و از این نظر که نشان می‌دهد در زمانها و مکانهای گوناگون در گذشته‌های دور و نزدیک فیلسوفان با چه دشواریهای سیاسی - اجتماعی روبرو بودند با اهمیت دانسته می‌شود. بررسی تاریخ فلسفه سیاسی تفسیر مقایسه‌ای از نظریات مختلف فیلسوفان را ممکن می‌کند و به شناخت نیروهای حفظ‌کننده وضع موجود و نیروهای خواهان تغییر، کمک می‌نماید. این گونه شناختها آغازگر اندیشه‌های ترمیمی در باره سیاستهای معاصر است.

در این کتاب اندیشه فیلسوفان برجسته غرب و برخی تحولات سیاسی - اجتماعی و اقتصادی برانگیزنده اندیشه‌های آنها در دوره تاریخی عصر جدید اروپا، از ۱۴۹۲ تا ۱۷۸۹ و سده نوزدهم را بررسی کرده‌ام. دوره‌های تاریخی پیش از آن را در کتاب دیگرم با نام **تاریخ فلسفه سیاسی غرب (از آغاز تا پایان سده‌های میانه)** بررسی کرده توضیح داده‌ام. مسئله اصلی دوره بررسی کتاب حاضر با مسئله دوره سده‌های میانه متفاوت است. در سده‌های میانه کشاکش دو قدرت برتر روحانی و دنیایی، کلیسایی و

غیردینی، ساسردوتیوم^۱ و رگنوم^۲ یا پاپ و امپراتور، و به زبان دوره جدیدتر کشاکش کلیسا و دولت، محتوای عمده بحثهای سیاسی را تشکیل داده بود. اما پس از سده چهاردهم، آزاد کردن بردگان، بالابردن و بهترکردن جایگاه اجتماعی سرفها یا روستاییان وابسته به زمین، تهذیب اخلاقی انسان و به طور کلی ایجاد شرایط و وضعی که روح فرد را آزاد و درک و تحقق آن را ممکن کند، در زمره بحثهای سیاسی و کشاکشهای دوران درآمدند. بنابراین درحالی که سده‌های میانه شاهد و بیننده پیدایی و فروپاشی امپراتوری مسیحی، رشد و زوال امپراتوری مقدس روم، پیشرفت و فروکشیدن قدرت پاپ، و گسترش و نابودی یگانگی آرمسانی دین و ایمان بود، دوره جدید تشکیل دولتهای استبدادی و سپس ملی و پیدایی پادشاهیهای خاندانی قدرتمند، پیشرفت طبقه متوسط، انقلاب در هنر و ادب، رگرگونی اساسی در شیوه‌های جنگ به سبب رواج اسلحه آتشین، پیشرفت شگرف علم و صنعت، و پیدایی انسان نو در حال استحضال اخلاقی و فکری ناشی از نوزایی و دین پیرایی را نشان داد. همه این روندها و رخدادها آشکار کردند که فلسفه سیاسی عصر جدید مانند فلسفه سیاسی باستان و سده‌های میانه، ویژگیهای برجسته خاص خود دارد. این ویژگیها را می‌توان چنین برشمرد:

۱. سکیولاریسم عصر جدید مسئله ایمان و اعتقاد مذهبی را به صورتی که در گذر سده‌ها ماندگار شد به سرانجام رساند. در زمان امپراتور کنستانتین، در آغاز سده چهارم میلادی، پذیرفته شد که افراد در انتخاب هر دینی آزاد هستند. اما در سده‌های بعد پیگردهای روم مقدس نشان داد سیاست مدارای دینی کنار گذاشته شده است. طی هشتاد سال فرمان امپراتور کنستانتین درباره مدارای دینی، کفر و الحاد هم روا شده بود. مسیحیت ارتدکس از ۳۹۳ به بعد به عنوان یگانه دین رسمی امپراتوری روم مستقر شد؛ در نتیجه، ارتداد حکم و معنای خیانت یافت و تکفیر دربرگیرنده نفی بلد و محرومیت از حقوق اجتماعی، بی‌دینی و خیانت و حتی مرگ بود. اما جنبش دین پیرایی، دین را از عرصه سیاست بیرون آورد و یگانگی جداشده درازمدت آن از اخلاق را دوباره برقرار کرد. گرایش جدید نیازمند آن بود که دولت با همه مذهبها و دینها مدارا کند و زندگی همراهنه مؤمنان مذهبها و کیشهای گوناگون با یکدیگر در صلح و هماهنگی را بپذیرد و ممکن

گردانند. به همین سبب، ژان بدن تاکید کرد که دولت نباید در مسائل ایمانی و اعتقاد مذهبی دخالت کند. زیرا هیچکس را نمی‌توان مجبور به قبول ایمانی خلاف خواست خود کرد. جان میلتون گفت حقیقت به آزادی بیان نیاز دارد؛ همین‌طور اولیور کرامول. جان لاک و دیگرانی هم، آزادی فردی در مسائل مربوط به دین و ایمان را خواستار شدند و پیشنهاد کردند که دولت در حوزه دین و مذهب مداخله نکند مگر اینکه امنیت آن در خطر باشد. با وجود آنکه در سده‌های شانزدهم و هفدهم بیشتر دولتهای اروپا به پیگردهای مذهبی پرداختند. اما بتدریج همسازی و هماهنگی ضرورت سیاسی با اعتقاد فلسفی سبب شد از آزادهای مذهبی دست بردارند، و پس از آن مدارای مذهبی در این یا آن شکل به‌طور گسترده برقرار و ماندگار شد.

۲. عصر جدید مسئله هزار ساله رابطه بین کلیسا و دولت را به شیوه خاص حل کرد. گرایش به سکولاریسم در واقع سیاست را از دین جدا نکرد. بلکه کلیسا را زیر کنترل دولت آورد. سکولاریسم، نظریه سده‌های میانه درباره خاستگاه الهی دولت را رد کرد و نهادهای سیاسی را ساخته انسانها دانست. شاهانی مانند هنری هشتم در انگلستان، فیلیپ دوم در اسپانیا، و لوئی چهاردهم در فرانسه، استدلال کالوینیستها را رد کردند که می‌گفتند اقتدار کلیسا برتر از اقتدار دولت است؛ و در مقابل، برتری زیاد قدرت شاه بر وابستگان گوناگون کلیسا را اعلام کردند. همین‌طور متفکرانی سیاسی مانند هوکر، هابز، و دیگرانی هم، جانب نظر اراستیانستی، یا جدایی نهادهای سیاسی از نهادهای دینی را داشتند. عقیده تبلیغگران ژزونیست (مانند ماریانا، بلازمین، و سوارز) را که کلیسا خصلت الهی دارد، رد کردند و گفتند دولت خاستگاه انسانی دارد و قدرت خود را فقط از مردم می‌گیرد.

۳. گرایش به دموکراسی سرانجام ماهیت و خاستگاه اقتدار سیاسی را آشکار کرد. گفته شد در آغاز، آنگاه که آگاهی ملت ضعیف و رشد نیافته بود، مردم نهاد پادشاهی با قدرت را مطلوب دانستند، و پشتیبانان دولت از نظام پادشاهی تجلیل کرده برتری آن را با ارائه نظریه حقوق الهی شاهان توجیه نمودند. حقوقدانها، اعضای سرکش پارلمانها و انقلابیهای اجتماعی، که همه پشتیبانان دولت و پادشاهی قدرتمند بودند، به عنوان اقدامی در دفاع نه تنها در برابر شورشگران جانبدار پاپ، بلکه در برابر شورشگران

کالونیست هم، کوشیدند استبداد شاه را با این ادعا توجیه کنند که شاهان نایب خداوند در روی زمین هستند. هابز هم در سده هفدهم ضمن پذیرش قالب قرار اجتماعی استبداد شاه را پذیرفت و سنت و روش تازه‌ای برپا کرد که پس از او مدافعان حاکمیت مطلق دولت، از جمله هیوم و هگل، از آن پیروی کردند. اما این سنت، آنگاه که مردم در مورد عرصه مشروعیت تکلیف سیاسی تردید کردند بتدریج کنار گذاشته شد. جان لاک نظر داد که اگر شاه شرایط قرار اجتماعی را نقض کند مردم می‌توانند حاکمیت واگذار شده خود را پس بگیرند. و برخی از متمگرکشی جانبداری کردند. در برابر تمایل جدیدتر، شاهان مانند به داری شمشیر رو آوردند؛ اما آنگاه که نارضایی عمومی توانست قدرت شاه را در خطر قرار دهد، گاه پس از عزل و اعدام برخی فرمانروایان سرسخت، دروازه‌های حکومت نمایندگی گشوده شد.

۴. برقراری حکومتها و تشکیل دولتهای ملی با شاهانی مقتدر و مدعی حاکمیت و فرو ریزنده اقتدار جهان‌گرایانه از یکسو باب و از سوی دیگر امپراتور، عرصه سیاست بین‌الملل را باز کرد. جنگهای شاهان قدرتمند در راه برخی عقاید مذهبی یا برای گسترش سرزمینها با هدف بهره‌برداری از منابع طبیعی و اقتصادی، یا با هدف استقرار تسلط بر بخشهای بتازگی کشف شده جهان و توسعه استعمار و اسثمار، نیاز به تدوین حقوقی با اعتبار جهانی را آشکار کرد. برپایه تشخیص این نیاز، متفکرانی مانند سوارز و گروسیوس ساختار بزرگی را که امروز حقوق بین‌الملل نامیده می‌شود ایجاد کردند.

۵. درک و دریافت از قانون - ماهیت، گوناگونی، ضمانت اجرا، دسته‌بندیهای قانون - در عصر جدید تغییر یافت. نظریات سده‌های میانه درباره قانون طبیعی و قانون الهی متروک شد. در ساختارهای اجتماعی - اقتصادی تغییرات دگرگون‌سازی رخ داد و در واکنش به این تغییرات متفکران و تبلیغ‌گرانی مانند توماس مور، فرانسیس بیکن، توماس کامپانلا و جیمز هابزنگتون به نگارگری دولت آرمانی مشترک‌المنافع پرداختند. فروپاشی فنودالیسم و فرازجویی سرمایه‌داری بر ویرانه‌های آن، پروتئاریای بی‌نوا آفرید، که بدبختی‌های روان‌سوز آن مواد و مطالب فراوانی برای تکوین اندیشه‌های سیاسی سوسیالیستی فراهم کرد.

کوتاه سخن، فلسفه سیاسی عصر جدید و سده نوزدهم، دربرگیرنده اندیشه‌های

سکیولاریسم، ناسیونالیسم، حاکمیت، دموکراسی، لیبرالیسم، سوسیالیسم و انترناسیونالیسم بود. گرایشهای گوناگون این فلسفه در وضع و حال جدیدتری که هر زمان ضرورت می‌یابند، پدیدار شدند. حکومت نمایندگی به مثابه شورشی در برابر پادشاهی نامحدود نمایان شد. لسه‌فر یا سیاست آزادی عمل اقتصادی، واکنشی بود در برابر سیاستهای پدرسالاری؛ پلورالیسم چالشی در برابر مونیسم بود و سوسیالیسم به مثابه درمان بیماریهای اجتماعی از زقابت آزاد و اقتصاد خصوصی زاده شد. فیلسوفان گوناگون با آموزه‌های مختلف خود، درباره مسئله بنیادی سازش درست بین ماهیت و عرصه اقتدار سیاسی و آزادی فردی، با آزادی فرد و قدرت دولت اظهارنظر کردند و کوشیدند این کهن سابقه‌ترین مسئله فلسفه سیاسی را حل و رفع کنند.

این نوشته شرح پیدایی این ویژگیها، با روندها، رخدادها، اندیشه‌ها و آموزه‌هاست که با توضیحاتی درباره جنبش نوزایی در سده پانزدهم میلادی آغاز می‌شود و با بررسی اندیشه برخی فیلسوفان سیاسی غیرمارکسیست سده نوزدهم به پایان می‌رسد. اندیشه سیاسی مارکس و سوسیالیتهای مارکسیستی یا غیرمارکسیستی را در این کتاب نیاورده‌ام. این مجموعه فکری به روشن کردن کتاب دیگری نیاز دارد.

این نوشته، از یادداشتهای زیادی فراهم شده است که بیشتر آنها را از کتابهای زیر

برگرفته‌ام:

M. Judd Political Thought, From Plato to the Present, 5 th ed., New York:

McGrow - Hall Harmon, Book Co., 1990.

V. Venkata Rao, A History of Political Theories: Ancient, Medieval and

Modern, New Delhi: S.Chand & Co. (PVT) Ltd., Rep. 1986.

Sukhbir Singh, History of Political Thought, vols. 2,4th ed., Meerut: Rastogi &

Company, 1991-92.

این منابع را به سبب استفاده زیاد و مکرر در زیرنویس نیاورده‌ام، منابع دیگر

مورد استفاده را در جای خود معرفی کرده‌ام.

عبدالرحمن عالم